

۴۰ حدیث نورانی از امام علی النقی(ع)

به مناسبت فرارسیدن سالروز میلاد فرخنده امام علی النقی(ع) ۴۰ حدیث نورانی از آن حضرت با موضوعاتی نظیر خداترسی، فروتنی، شکرگزاری، پرهیز از تملق، صله رحم و ... منتشر می‌شود.



حکمت در دل‌های فاسد بی‌اثر است

۴۰ حدیث نورانی از امام علی النقی(ع)

به مناسبت فرارسیدن سالروز میلاد فرخنده امام علی النقی(ع) ۴۰ حدیث نورانی از آن حضرت با موضوعاتی نظیر خداترسی، فروتنی، شکرگزاری، پرهیز از تملق، صله رحم و ... منتشر می‌شود.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، ابوالحسن امام علی النقی الهادی علیه‌السلام پیشوای دهم شیعیان، در نیمه ذی حجه سال 212 هجری قمری در اطراف مدینه در محلی به نام «صُریا» به دنیا آمد. پدرش پیشوای نهم، امام جواد علیه‌السلام و مادرش بانوی گرامی سمانه است که کنیزی با فضیلت و با تقوا بود. مشهورترین القاب امام دهم، نقی و هادی است و به آن حضرت ابوالحسن الثالث نیز می‌گویند. امام هادی علیه‌السلام در سال 220 هجری پس از شهادت پدر گرامیشان که هنوز بیش از هشت سال نداشت، به امامت رسید.

به مناسبت سالروز میلاد آن امام همام، 40 حدیث نورانی تقدیم مخاطبان گرامی می‌شود:

1. یگانگی خدا

لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَأَشْيَاءٍ مَعَهُ ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بَدِيعًا وَ اخْتَارَ لِتَقْسِيمِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ؛ (بحارالانوار، ج 54، ص 83).

خداوند از ازل تنها بود و چیزی با او نبود. سپس اشیا را به صورت نو ظهور آفرید و برای خودش بهترین نام‌ها را برگزید.

2. فروتنی

التواضع أن تعطي الناس ما تُحِبُّ أن تُعطاهُ؛ (الكافي، ج 2، ص 124)

فروتنی آن است که با مردم چنان رفتار کنی که دوست داری با تو چنان باشند.

3. نقد پذیری

لبعض مواليه: عَاتِبْ فَلَانًا وَ قُلْ لَهُ إِنْ أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا إِذَا عُوْتِبَ قِيلَ (وسائل الشيعة، ج 2، ص 18)

امام هادی(ع) به یکی از دوستانش فرمود: فلانی را توبیخ کن و به او بگو: خداوند چون خیر بنده‌ای خواهد، هر گاه توبیخ شود، بپذیرد (و در صد جبران نقص برآید).

4. جایگاه اجابت دعا

إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يَدْعَى فِيهَا فَيُسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ وَ الْحَيْرُ مِنْهَا؛ (بحارالانوار، ج 98، ص 113).

همانا برای خداوند بقعه‌های است که دوست دارد در آنها به درگاه او دعا شود و دعای دعا کننده را به اجابت برساند، و حائر حسین(ع) یکی از آنهاست.

5. دنیا جایگاه آزمایش

إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَ الْآخِرَةَ دَارَ عَقْبَى، وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضًا (بحارالانوار، ج 75، ص 356).

همانا که خداوند دنیا را سرای امتحان و آزمایش، و آخرت را سرای رسیدگی، و بلای دنیا را وسیله ثواب آخرت، و ثواب آخرت را عوض بلای دنیا قرار داده است.

6. ستمکار بردبار

إِنَّ الظَّالِمَ الْحَالِمَ يَكَادُ أَنْ يَعْضَى عَلَيْهِ بِحِلْمِهِ، وَ إِنَّ الْمُحِقَّ السَّفِيهَ يَكَادُ أَنْ يَطْفِيَءَ نُورَ حَقِّهِ بِسَفْهِهِ (تحف العقول، ص 298).

به راستی ستمکار بردبار، بسا که به وسیله حلم و بردباری خود از ستمش گذشت شود و حق دار نابخرد، بسا که به سفاقت خود نور حق خویش را خاموش کند.

7. انسان بی شخصیت

مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ (بحارالانوار، ج 72، ص 300).

کسی که خود را پست شمارد، از شر او در امان می‌باشد.

8. حکمت ناپذیری دل فاسد

الْحِكْمَةُ لَا تَجْعَلُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ (بحارالانوار، ج 75، ص 370).

حکمت، اثری در دل‌های فاسد نمی‌گذارد.

9. خدا ترسی

مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى، وَ مَنْ اطَاعَ اللَّهَ يَطَاعُ، وَ مَنْ اطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يَبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ، وَ مَنْ اسَخَطَ الْخَالِقَ فَلْيَبْقِنَ أَنْ يَحِلَّ بِهِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ؛ (بحارالانوار، ج 68، ص 182)

هر کسی از خدا بترسد، مردم از او بترسند، هر که خدا را اطاعت کند، از او اطاعت کنند، و هر که مطیع آفریدگار باشد، باکی از خشم آفریدگار ندارد، و هر که خالق را به خشم آورد، باید یقین کند که به خشم مخلوق دچار می‌شود.

10. اطاعت خیرخواه

مَنْ جَمَعَ لَكَ وَدَّهَ وَ رَابَهُ فَاجْمَعْ لَهُ طَاعَتَكَ؛ (تحف العقول، ص 483).

هر که دوستی و نظر نهایی‌اش را برای تو همه جانبه گرداند، طاعتت را برای او همه جانبه گردان.

11. اوصاف پروردگار

إِنَّ اللَّهَ لَا يوصَفُ إِلَّا بِمَا وَصَفَ بِهِ نَفْسَهُ وَ اتَى يوصَفُ الَّذِي تعَجِرُ الحَوَاسُ أَنْ تُدْرِكُهُ وَ الأَوْهَامُ أَنْ تَنَالَهُ وَ الحَظَرَاتُ أَنْ تُحْدَهُ وَ الأَبْصَارُ عَنِ الاحاطةِ بِه تَأَى فِي قُرْبِهِ وَ قُرْبَ فِي تَائِهِ، كَيْفَ الكَيْفَ بغيرِ أَنْ يُقالَ: كَيْفَ، وَ اَيْنَ الأَيْنَ بِلا أَنْ يُقالَ: اَيْنَ هُوَ، مُنْقَطِعُ الكَيْفِيهِ وَ الأَيْنِيهِ الواحدُ الاحدُ، جَلَّ جَلالُهُ وَ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُهُ؛ (بحارالانوار، ج 4، ص 303)

به راستی که خدا جز بدانچه خودش را وصف کرده است، وصف نشود. کجا وصف شود آن که حواس از درکش عاجز است، و تصورات به کنه او پی نبرند، و در دیده‌ها نگنجد، او با همه نزدیکی‌اش دور است و با همه دوری‌اش نزدیک، کیفیت و چگونگی را پدید آورده، بدون اینکه خود کیفیت و چگونگی داشته باشد. مکان را آفریده، بدون این که خود مکانی داشته باشد. او از چگونگی و مکان برکنار است، یکتای یکتاست، شکوهش بزرگ و نام‌هایش پاکیزه است.

12. رذایل اخلاقی

الْحَسَدُ مَا حِقُّ الْحَسَنَاتِ، وَ الرَّهْوُ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَ الْعَجْبُ صَارَفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْعَمَطِ وَ الْجَهْلِ، وَ الْبُحْلُ أَدْمُ الاخْتِلاقِ وَ

حسد نیکویی‌ها را نابود سازد، و فخر فروشی دشمنی آورد، و خودپسندی مانع از طلب دانش است و به سوی خواری و جهل فرامی‌خواند، و بخل ناپسندیده‌ترین خلق و خوی است، و طمع خصلتی ناروا و ناشایست است.

13. خدا، آری. روزگار، نه!

روزی یکی از یاران امام هادی(ع) که بر اثر تصادف با حیوانی صدمه دیده بود، بر آن حضرت وارد شد و با اشاره به زخم‌هایی که برداشته بود، به روزگار بد می‌گفت. آن حضرت، خطاب به او سخنی به این مضمون فرمودند: روزگار را ملامت نکن؛ زیرا همه حوادث عالم به دست خداوند است و روزگار هیچ نقشی در پیدایش امور ندارد و غیر خداوند به گونه مستقل در زندگی مردم مؤثر نیستند و نیز فرمودند: «لَا تَعُدُّ و لَا تَجْعَلْ لِلْإِيَامِ صِنْعًا فَيُحْكَمَ اللَّهُ؛ یعنی برای روزگار اثر و نقشی در حکم خداوند، به حساب نیاور و قرار مده.».

آن شخص با شنیدن سخنان امام، به واقعیت امر، آگاه شد و توبه کرد. (وسائل الشیعه، ج7، ص509)

14. نتیجه بی‌اعتنایی به مکر خدا

مَنْ آمَنَ مَكَرَ اللَّهِ وَ الْيَمَّ أَحْذِهِ، تَكْبَرُ حَتَّى يَحِلَّ بِهِ قِضَاؤُهُ وَ نَافَذَ أَمْرُهُ، وَ مَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ هَانَتْ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَ لَوْ قُرْضَ وَ نُشِرَ؛ (تحف العقول، ص483).

هر که از مکر خدا و مؤاخذه دردناکش آسوده باشد، تکبر پیشه کند تا قضای خدا و امر نافذش او را فراگیرد، و هر که بر طریق خدا پرستی محکم و استوار باشد، مصائب دنیا بر وی سبک آید؛ اگر چه (بدنش) قیچی شود و ریز ریز گردد.

15. تقیه

لَوْ قُلْتُمْ إِنَّ تَارِكَ التَّقِيهِ كِتَارِكُ الصَّلَاةِ لَكُنْتُمْ صَادِقًا؛ (وسائل الشیعه، ج16، ص211).

اگر بگوییم: هر کس تقیه را ترک کند، مانند کسی است که نماز را ترک کرده، هر آینه راست گفته‌ام.

16. شکرگزار و شکر

الشَّاكِرُ أَسْعَدُ بِالشُّكْرِ مِنْهُ بِالتَّعَمُّهِ التِّي أَوْجَبَتِ الشُّكْرَ لِأَنَّ التَّعَمَّ مَتَاعٌ وَ الشُّكْرَ نِعْمٌ وَ عُقْبَى؛ (بحارالانوار، ج71، ص417).

شخص شکرگزار به سبب شکر، سعادت‌مندتر است تا به سبب نعمتی که باعث شکر شده است؛ زیرا نعمت کالای دنیاست و شکرگزاری، نعمت دنیا و آخرت است.

17. دنیا جایگاه سود و زیان

الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ حَسِرَ آخِرُونَ؛ (بحارالانوار، ج75، ص366)

دنیا بازاری است که گروهی در آن سود برند و دسته‌ای زیان بینند.

18. پرهیز از تملق

قال ابوالحسن الثالث(ع) لِرَجُلٍ وَ قَدْ أَكْثَرَ مِنْ إِفْرَاطِ التَّنَاءِ عَلَيْهِ أَقْبِلْ عَلَى شَأْنِكَ، فَإِنَّ كَثْرَةَ المَلَقِ يَهْجُمُ عَلَى الطَّيْتِ وَ إِذَا حَلَّتْ مِنْ أُخَيْكَ فِي مَحَلِّ التَّقِيهِ، فَاعْدِلْ عَنِ المَلَقِ إِلَى حُسْنِ النَّيِّهِ؛ (بحارالانوار، ج70، ص295)

امام هادی(ع) به کسی که در ستایش از ایشان افراط کرده بود، فرمودند: از این کار خودداری کن؛ زیرا تملق بسیار، بدگمانی به بار می‌آورد هنگامی که در نزد برادر مؤمنان مورد اعتماد و وثوق هستی، از تملق او دست بردار و حسن نیت نشان بده.

إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبُ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَظُنَّ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ، وَإِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ أَغْلَبُ فِيهِ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَظُنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا مَا لَمْ يَعْلَمْ ذَلِكَ مِنْهُ؛ (بحارالانوار، ج75، ص370)

هر گاه در زمانه‌ای عدل بیش از ظلم رایج باشد، بدگمانی به دیگری حرام است، مگر آنکه (آدمی) بدی از کسی ببیند. و هر گاه در زمانی ظلم بیش از عدل باشد، نباید به کسی خوش‌بین باشد، مگر اینکه به نیکی او یقین کند.

20. زیباتر از زیبایی

خَيْرٌ مِنَ الْخَيْرِ فَاعِلُهُ، وَ اجْمَلٌ مِنَ الْجَمِيلِ قَائِلُهُ، وَ اَزْجَحُّ مِنَ الْعِلْمِ حَامِلُهُ، وَ شَرٌّ مِنَ الشَّرِّ جَالِيَهُ، وَ اَهْوَلُ مِنَ الْهَوْلِ رَاكِبُهُ؛ (بحارالانوار، ج75، ص370)

بهتر از نیکی، نیکوکاری است، و زیباتر از زیبایی، گوینده آن است، و برتر از علم، حامل آن است، و بدتر از بدی، عامل آن است، و وحشتناک‌تر از وحشت، آورنده آن است.

21. توقع بی‌جا

لَا تَطْلُبِ الصِّفَا مِمَّنْ كَذَرْتَ عَلَيْهِ، وَلَا الْوَفَاءَ لِمَنْ عَدَرْتَ بِهِ، وَ لَا النَّصْحَ مِمَّنْ صَرَفْتَ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَإِنَّهَا قَلْبٌ غَيْرَكَ كَقَلْبِكَ لَهُ؛ (بحارالانوار، ج75، ص370)

از کسی که بر او خشم گرفته‌ای، صفا و صمیمیت نخواه، و از کسی که به وی خیانت کرده‌ای، وفا طلب نکن، و از کسی که به او بدبین شده‌ای، انتظار خیرخواهی نداشته باش که دل دیگران برای تو همچون دل تو برای آنهاست.

22. برداشت خوب از نعمت‌ها

الْقَوَا الْيَعْمَ بِحُسْنِ مُجَاوِرَتِهَا وَ التَّمِسُّوا الزِّيَادَةَ فِيهَا بِالشُّكْرِ عَلَيْهَا، وَاعْلَمُوا أَنَّ التَّقْسَ أَقْبَلُ شَيْءٍ لِمَا أُعْطِيَ وَ اَمْتَعَ شَيْءٍ لِمَا مُنِعَتْ؛ 22

نعمت‌ها را با برداشت خوب از آنها به دیگران ارائه دهید و با شکرگزاری افزون کنید، و بدانید که نفس آدمی روآورنده‌ترین چیز است به آنچه به آن بدهی، و باز دارنده‌ترین چیز است، از آنچه آن را بازدارد.

23. خشم بر زبردستان

الْعَضَبُ عَلَى مَنْ تَمَلَّكَ لَوْمٌ؛ (بحارالانوار، ج75، ص370)

خشم به زبردستان از پستی است.

24. عاق والدین

الْعُقُوقُ تَكْلٌ مَن لَمْ يَتَّكَلْ؛ (مستدرک، ج15، ص194).

نافرمانی (فرزند از پدر و مادر) مصیبت مصیبت نادیدگان است.

25. تأثیر صله رحم در طول عمر

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَكُونُ وَصُولًا لِقَرَابَتِهِ وَصُولًا لِرَحِمِهِ، فَيُجْعَلُهَا اللَّهُ ثَلَاثَةً وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً، وَ إِنَّهُ لَيَكُونُ قَدْ بَقِيَ مِنْ أَجْلِهِ ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ سَنَةً فَيَكُونُ عَاقًا لِقَرَابَتِهِ قَاطِعًا لِرَحِمِهِ، فَيُجْعَلُهَا اللَّهُ ثَلَاثَ سَنِينَ؛ (بحارالانوار، ج71، ص103).

چه بسا شخصی که مدت عمرش سی سال مقدر شده باشد، اما به خاطر صله رحم و پیوند با خویشاوندانش، خداوند عمرش را به 33 سال برساند، و چه بسا کسی که مدت عمرش 33 سال مقدر شده باشد، ولی به سبب آزردن خویشاوندان و قطع رحمش، خداوند عمرش را به سه سال برساند.

26. نتیجه عاق والدین

العَفُوقُ يَعْقِبُ الْقِلَّةَ إِلَى الدَّيْهِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص318)

نارضایتی پدر و مادر، کمی روزی را به دنبال دارد و آدمی را به ذلت می‌کشاند.

27. بی‌طاقتی در مصیبت

المُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلجَّازِعِ اِثْنَتَانِ؛ (مستدرک، ج2، ص445)

مصیبت برای صابر یکی است و برای کسی که بی‌طاقتی می‌کند، دو تا است.

28. همراهان دنیا و آخرت

التَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص368).

میزان ارزیابی مردم در دنیا با اموالشان و در آخرت با اعمالشان است.

29. شوخی بیهوده

الهِزْلُ فَكَاهَةُ السُّفَهَاءِ وَصَنَاعَةُ الْجُهَّالِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص369)

مسخرگی، تفریح سفیهان و هنر جاهلان است.

30. زمان جان دادن

اِذْكُرْ مَصْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ اَهْلِكَ وَ لَا طَيِّبٌ يَمْتَنِعُكَ وَ لَا حَبِيبٌ يَنْفَعُكَ؛ (بحارالانوار، ج75، ص370)

وقت جان دادن را نزد خانواده‌ها یاد کن که در آن هنگام طبیعی نیست که جلوی مرگت را بگیرد و نه دوستی که به تو نفع رساند.

31. نتیجه جدال

المرءُ يقسِدُ الصداقةَ القديمةَ وَ يحلِلُ العُقْدَةَ الوثيقةَ وَ اقلُّ ما فيه انْ تَكُونَ فِيهَا الْمُغَالِبَةُ وَ الْمُغَالِبَةُ اَسُّ اسبابِ القطيعةِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص369)

جدال، دوستی قدیمی را تباه می‌کند و پیوند اعتماد را می‌گشاید و کمترین چیزی که در آن است، غلبه بر دیگری است که آن هم سبب جدایی است.

32. درک لذت در کاستی

السَّهْرُ اِذًا لِلْمَنَامِ وَ الْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص379)

شب بیداری، خواب را لذت بخش‌تر، و گرسنگی گوارایی غذا را زیاد می‌کند.

33. اسیر زبان

رَاكِبُ الْحَرُونِ اَسِيرٌ تَفْسِيهِ، وَ الْجَاهِلُ اَسِيرٌ لِسَانِهِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص 369)

کسی که بر اسب سرکش سوار است، اسیر هوای نفس خویش و نادان اسیر زبان خودش است.

34. تصمیم قاطع

اِدْكُرْ حَسْرَاتِ التَّقْرِيطِ بِاِحْذِ تَقْدِيمِ الْحَزْمِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص 370)

افسوس خوردن کوتاهی در انجام دادن کار را، با تصمیم‌گیری قاطع جبران کن.

35. خشم و کینه‌توزی

الْعِتَابُ مِقْتَاْحُ الثَّقَالِ وَ الْعِتَابُ حَيْرٌ مِّنَ الْحَقْدِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص 369)

سرزنش و تندی کلید کم مهری است، و سرزنش بهتر از کینه‌توزی است.

36. ظهور مقدرات

المقَادِيرُ تُرِيكُ مَا لَمْ يَحْطُرْ بِبَالِكِ؛ (اعلام الدین، ص 311)

مقدرات چیزهایی را بر تو نمایان می‌سازد که به فکرش خطور نکرده است.

37. خودخواهان مغضوب

مَنْ رَضِيَ عَنِ نَفْسِهِ كَثَرَ السَّخَطُونَ عَلَيْهِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص 368)

هر که از خود راضی باشد، خشم‌گیران بر او زیاد خواهند بود.

38. تباهی فقر

الْفَقْرُ شِرَّةُ النَّفْسِ وَ شِدَّةُ الْقَنُوطِ؛ (بحارالانوار، ج75، ص 368).

فقر مایه آزمندی نفس و سبب ناامیدی زیاد است.

39. راه پرستش

لَوْ سَلَكَ النَّاسُ وَادِيًا وَسِيعًا لَسَلَكَتْ وَادِي رَجُلٍ عَبَدَ اللّهَ وَحَدَّهُ خَالصًا؛ (بحارالانوار، ج67، ص 112)

اگر مردم به راه‌های گوناگون روند، من به راه کسی که تنها خدا را خالصانه می‌پرستد، خواهم رفت.

40. آشکار نکردن برنامه‌ها

إِظْهَارُ الشَّيْءِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَحْكَمَ مُقْسِدَةٌ لَهُ؛ (تحف العقول، ص 457)

آشکار کردن هر کاری پیش از آنکه به سامان برسد، آفت آن کار است.